

فیل ام یا مَن یه فنجون؟

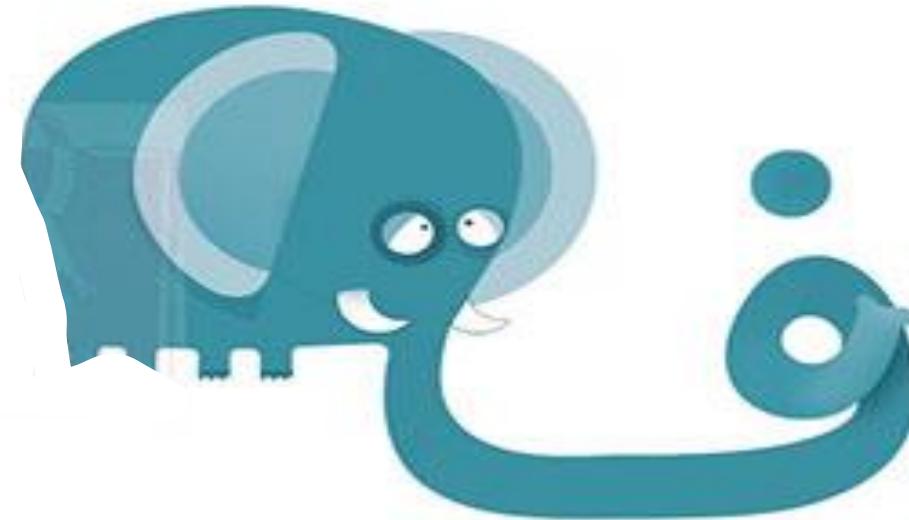
فیل که باشم پُرآزجون

فنجون باشم، کو اون جون؟

فندق بخور با زیتون!

ف - ف

لب دندانی، سایشی،
خاموش

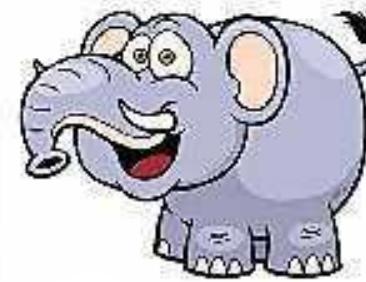




زرافه



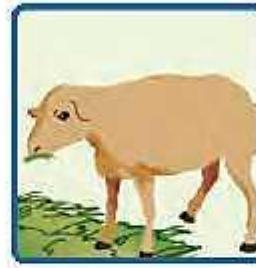
کفش



فیل



علف



گوسفند



فانوس

ترکیب
غسلنگ ها

آ	ا	ای	ی ای	ای ب	و او	آ-	ا
فُ	فه	ف	فی	فی	فو	فَ	فا
فسفر	بوفه	فرشته	برفی	فیش	فوت	فرمان	فارسی
	کوفه	فکر	کافی	سفید	فوتبال	فردا	فاز

ف ف

درس ۱۱ روز بَرْفی



بَرْف می بازد.

آسان آفتابی نیست.

فرزانه و فرشته آدم بَرْفی دوست می کنند.

آدم بَرْفی می کویند: کاش من هم کیف و
گفتش داشتم و به مدرسه می رفتم.



آدم بَرْفی



کیف



بَرْف



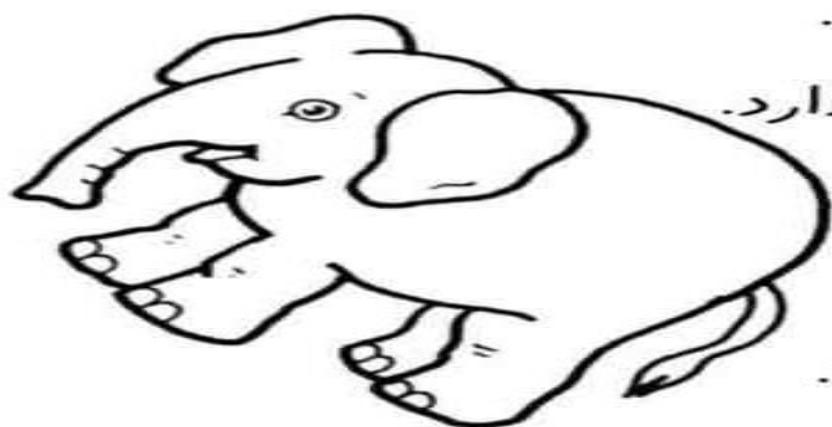
گفتش

ف ف

آا بب آا ددم سس او وقت رذن ایدی ای ز ایه (ه) ه شش یی آا
کک و پپ گگ  **ف ف خخ**

ف ف

فارسی – فوت – فکر – برف – کیف – آفتاب – دفتر – پفک –
فردا – کف – کافی – مُفید – شَفا – فَرش – وَفا – مُسافرت –
استفاده – رفت – آفرین – فرشته – فانوس – نفت – ویفر –
فندک – فرمان – فرید – فرزانه – فرفه – کفش – آدم برفی –
اسانه – فروشنده – می فروشد – گوسفند – سفید –



فرید با برف آدم برفی درست می کند.

فرشته در کیفیش دفتر و کتاب فارسی دارد.

پفک و نوشابه برای بدن مفید نیستند.

اسانه و پدرش به مسافرت رفتند.

فرزانه درباره‌ی آزمون فردا فکر می کرد.

فانوس مادر بزرگ به اندازه‌ی کافی نفت ندارد.

فرامَز روی فرش فرفه بازی می کند.

ف ف - فا - فـ - فـه - فـه - فـه - فـه -

فارسی - فایده - قردا - قروردین - قرزند - قداکار - قرزانه - قرش
توت قرنگی - قراموش - قرمان - قریده - قروش - آفسانه - آتش
قیشان - می فرستد - فومن - آفریده - آفتادم - سفره - قراوان
کافی - آفتایی - گفت - شکوفه - آفتادم - سیفارش - بافتی - مفید -
گفشن - فیروزه - سفید - سَفَر - سیفت - نفت - کف - دفتر -
این دُنیای بزرگ را پروردگار آفریده است.

ما می دانیم: در یکشوار ایران نفت فراوان است.

دیروز برف بارید و زمین را سفید کرد.

امروز آفتاب تابید و برف را آب کرد.

پس از اسفند، فروردین می رسد.

در فروردین شکوفه فراوان دیده می شود.

قرزاد پسر با ادب و پاکیزه ای است.

آموزگار گفت: فرزندم میوه برای انسان مفید است.

متن روانخوانی و املاء درس روز برفی شانه (ف ف)

به نام ایزد یکتا

قرزانه و فرسته با ماشین به مدرسه آمدند.

قرزانه گرگیف هداد، قفتر و کتاب دارد.

او کتاب فارسی را آز کیف بیرون می آورد.

امروز آسمان آفتابی نیست.

دیر و ز در استان تیزد برف بارید.

ترف مانند قرشی سفیدی زمین را پوشانده بود.

دایش آموزان با شادی آتم برفی گرفتند.

قریبا گفشن زمستانی می پوشد.

سفره ی ما زیبا و تمیز است.

پنجم زود آزمُسافرت برجشت.

او برای من کیف و گفشن آورده بود.

مانند گفت: مسوک رَدَن قراموش نشود.

آن مرد با گفگ به شکار رفت.